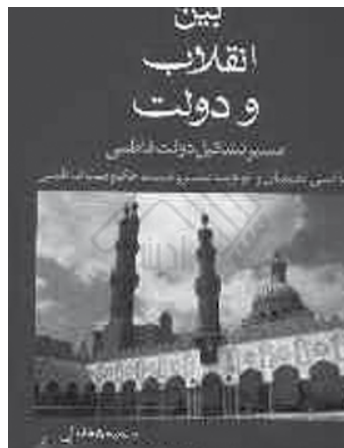


فرایند انقلاب تا دولت فاطمیان

ایران دخت سام دلیری



بین انقلاب و دولت: مسیر تشکیل دولت فاطمی، قاضی نعمان و توجیه مشروعیت حکومت فاطمی
نویسنده: سمیه همدانی
مترجم: فریدون بدره‌ای
نشر: تهران، انتشارات فرزانه روز، ۱۳۸۹، ۲۳۰ صفحه

فرقه‌ی اسماعیلیه بر اساس اعتقاد به نص امامت به اسماعیل، فرزند ارشد امام جعفر صادق (ع) شکل گرفت و با شکل‌گیری دولت فاطمیان در شمال آفریقا توانست خلافتی شیعی را تأسیس کند. اما ظهور این دولت در شمال آفریقا به یک‌باره صورت نگرفت و بر اساس تلاش‌های داعیان مختلفی که در یک سازمان مخفی دعوت، تفکر و اعتقاد اسماعیلی را در سراسر جهان اسلام گسترش می‌دادند، به ثمر نشست. به همین دلیل تاریخ آنان به دو دوره‌ی ستر (خفا) و ظهور تقسیم می‌شود. در ابتدا امامان اسماعیلی از ترس عباسیان و مخالفان سیاسی خود کاملاً در خفا زندگی می‌کردند و به تبلیغ اندیشه‌های خود می‌پرداختند. با شکل‌گیری و استقرار دولت فاطمی در شمال آفریقا در سال ۳۹۷ق. دوران ظهور اسماعیلیان آغاز شد و اندیشه‌های آنان نفوذ گسترده‌ای در مصر، یمن، بحرین، شام، ایران و شمال آفریقا داشت، به طوری که در میان محققین تاریخ اسلام، دوران فاطمیان در قرن چهارم و پنجم به «عصر طلایی مذهب اسماعیلیان» و «قرن اسماعیلی تمدن اسلامی» معروف است.

استقرار دولت فاطمی خود پیروزی و موفقیت بسیار بزرگی برای مذهب اسماعیلی به شمار می‌آمد. از سویی با تثبیت خلافت فاطمیان، امامان اسماعیلی برداشت اهل سنت از اسلام و قدرت سیاسی عباسیان را به چالش می‌خواندند و در مقابل تفسیر عقل‌گرایانه و تأویلی خود از اسلام را ارائه می‌دادند و از سوی دیگر، برای اولین بار گروهی شیعی به طور آزاد و به دور از ترس و واهمه از دشمنان، امکان اعمال موازین دینی خود را داشتند و نخستین بار، دولتی شیعی در صدد ایجاد امپراتوری شیعی برآمده بود. فرایند تبدیل نهضت اسماعیلی به دولت فاطمی و تثبیت آن به خاستگاه فقهی، کلامی، اداری جدیدی نیاز داشت که شارح اصلی آن قاضی نعمان بود. وی سیستم فقهی و حقوقی جدید بر پایه‌ی دولتی نوپا را که هم‌گرایانه نگاهی تعامل و تسامحی به رعایای غیراسماعیلی داشت، به عنوان آلترناتیو و بدیلی از انقلاب به دولت تکوین کرد. وی بزرگ‌ترین فقیه تمامی ادوار اسماعیلیان و نظریه‌پرداز اصلی خلافت فاطمی بود.

ابوحنیفه نعمان بن احمد بن حیون تیمی مغربی معروف به قاضی نعمان در اوایل زندگی خود در یک خانواده‌ی قیروانی سنی‌مذهب مالکی زندگی می‌کرد. وی پس از تحصیل علم به عنوان یک فقیه مالکی به کیش اسماعیلی درآمد و در سال ۳۱۳ق. به خدمت خلیفه‌ی اسماعیلی رسید و از آن زمان به مدت نیم قرن در خدمت چهار امام فاطمی در مناصب گوناگون

احوالی که مولد و تولیدکننده ادبیات ظاهری در دوره‌ی شمال آفریقای خلافت فاطمی شد، می‌پردازد.^۲

در فصل دوم با عنوان «از باطن به ظاهر»، نویسنده محیط زندگی قاضی نعمان و بسترهای اجتماعی و سیاسی آگاهی‌بخش وی و عواملی را که منجر به تجدیدنظرها و ابداعاتی در دیدگاه وی برای دولت فاطمیان شد، بررسی می‌کند. در سه فصل پایانی که به ترتیب با عنوان «چارچوب ظاهری»، «الگوهای ظاهری» و «نظم ظاهری»؛ کتب دعائم الاسلام و اختلاف اصول المذاهب بر اساس مبانی فقهی، کتاب افتتاح الدعوه و ابتداءالدوله و کتاب المجالس و المسائرات قاضی نعمان با توجه به مبانی تاریخی و ترجمه‌ی احوال آن و بالاخره آداب و رسوم دولتی به شرحی که در کتاب الهمه فی آداب اتباع الاثمه آمده است، بررسی می‌شود.

واکاوی این سه کتاب، نشان از سه نوع ادبیات ظاهری دوران فاطمی است؛ ادبیات فقهی، ادبیات حدیثی و اخبار مربوط به امامان و ادبیات رسوم دولتی و وظایف و معارف مربوط به اطاعت از امام. به نظر مؤلف، این سه کتاب در مجموع به محققین شناختی می‌دهند که چگونه معتقدات شیعی اسماعیلی به صورت چارچوبی کارکردی برای تداوم فرقه‌ی اسماعیلیه در یک محیط سنی درآمدند، یا چگونه مسائل و موضوع‌های باطنی اولیه‌ی اسماعیلیان در یک بافت ظاهری مطرح شدند.

در فصل اول با عنوان «از انقلاب تا دولت» نویسنده به ترسیم چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنبش اسماعیلیان، شرایط و اوضاع مبهم ظهور، رشد و نمو آنان، تثبیت به عنوان دولت فاطمی و آغاز تحولات فکری در این روند انقلابی به دولت می‌پردازد. به نظر مؤلف، هسته‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری این جنبش، نتیجه‌ی چالش در برابر مسأله‌ی جانشینی امام جعفر صادق (ع) بود. ریشه‌های این بحران بسیار مبهم و پیچیده بوده که این امر خود سبب اختلافات بنیادی در ابتدای شکل‌گیری این جنبش شده است. در ابتدا آن‌چه مشاجره در باب میراث امام جعفر صادق (ع) را تشدید می‌کرد، عدم حضور اسماعیل بن محمد و دوستگی بر زنده بودن و یا وفات وی بر طبق برخی از روایات بود. در چنین اوضاع پیچیده‌ای جنبش اسماعیلی شروع به ظهور رشد و نمو نمود. آن‌چه اوضاع اسماعیلیان را پیچیده‌تر کرد، تحولات دوران پس از مرگ اسماعیل بود که به انشقاق اسماعیلیان انجامید.

عقیده بر غیبت اسماعیل و ظهور مجدد وی به عنوان مهدی قائم (عج)، قرمطیان را از این جنبش مشتق کرد که در نتیجه، این فرقه‌ی اسماعیلی در زمان عبدالله دوم از دل دعوت اسماعیلی رشد نمودند. این گروه با رد امامت عبدالله مهدی، هم‌چنان بر عقیده‌ی بازگشت محمد بن اسماعیل باقی ماندند. پس از استقرار دولت فاطمی در سال ۲۷۹ق. اسماعیلیان به پیشرفت‌های فراوانی دست یافتند. این دولت نوپا پس از تثبیت خویش، نیازمند بازتعریف ساختار و نظامی جدید، بر پایه‌ی هم‌سان‌سازی ایدئولوژی خود با اوضاع و احوال جدید بود. جامعه‌ای که فاطمیان بر آن حکومت می‌کردند، علاوه بر اسماعیلیان، طیف وسیعی از رعایای شیعیان دوازده‌امامی، اهل سنت، و قرمطیان را در خود جای داده بود و نیاز قدرت سیاسی به نظامی جدید که پاسخ‌گوی خواسته‌های تمامی این گروه‌ها باشد، هر چه بیش‌تر نمایان می‌شد. از این رو آنان یک ساختار ایدئولوژیکی بر پایه‌ی فقهی نوین و دستگاه اداری جدید بنا نهادند. در بسط این نوع ساختار به نظام تعلیم و تربیت سازمان‌یافته نیاز بود که از طریق سازمان «دعوت»

خدمت کرد. قاضی نعمان در میان اسماعیلیان از جایگاه بسیار برجسته و احترام ویژه‌ای برخوردار است. اسماعیلیان تمام منابع خود را از وی دانسته‌اند و همیشه با عزت و احترام از او یاد کرده‌اند و آثارش را از متون معتبر اسماعیلیه شمرده‌اند.^۱

تدوین فقه اسماعیلی، نزدیک بودن به امامان فاطمی، قاضی‌القضاتی دستگاه اداری فاطمی، پایه‌گذاری خاندان معتبری از قضات دولت فاطمی، تألیف و نگارش آثار گوناگون، از جمله ویژگی‌های برجسته و تأثیرگذار وی است. در کتاب حاضر، چگونگی تطور اندیشه‌ی اسماعیلی از انقلاب به دولت با توجه به مدون اصلی آن یعنی قاضی نعمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و همان‌طور که نویسنده در پیش‌گفتار ذکر کرده، کانون توجه این کتاب، استقرار خلافت فاطمی است و در این مسیر رابطه‌ی میان مفاهیم اعتقادی اسماعیلیه و دولت اسلامی در چارچوب فقه اسماعیلی مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

نکته‌ی مهم در باب پژوهش شالوده‌ی فقهی اسماعیلیان این است که بررسی جامع و کاملی در ایران در باب مبانی فقهی، سیاسی و اداری اولین دولت شیعی صورت نگرفته و تلاش‌های اندکی برای ارزیابی اقدامات فاطمیان در تثبیت قدرت سیاسی و دینی صورت گرفته است. پژوهش‌های غربیان نیز - همان‌طور که نویسنده به نقل از فرهاد دفتری بدان اشاره کرده - در باب اسماعیلیان بیش‌تر به دلیل توجه آنان به جنگ‌های صلیبی بوده و با نگاه تاریخی بدان نگرستند. این کتاب همان‌طور که خانم همدانی بیان نموده، منابع جدیدی کشف نمی‌کند، بلکه منابع از قبل کشف شده و مورد بحث قرار گرفته را برای شناخت و درک بهتر انقلاب فاطمی و دولتی که در نتیجه‌ی این انقلاب پدید آمد، مورد بررسی قرار می‌دهد و تصویری از آثار و اندیشه‌های آنان در بستر گذار جنبش اسماعیلی به خلافت و تثبیت آن ارائه می‌دهد.

تکیه‌گاه اصلی کتاب، تطور اندیشه‌ی فقهی سیاسی اسماعیلیان در فرایند انقلاب تا دولت در آثار قاضی نعمان است که روایت بخش مشروعیت‌دهنده‌ی انقلاب فاطمی است. شخصیتی که خود تجسم دوره‌ی انتقال تاریخ فاطمی است. (پیش‌گفتار، ص ۱۲)

این کتاب تحلیلی دقیق و وسیع از این شخصیت برجسته ارائه می‌دهد و تحول ادبیات اسماعیلی را توسط وی بیان می‌کند و آثار «ظاهری» قاضی نعمان را برای تحقیق در بازپردازی برخی از اعتقادات اسماعیلی، به صورت و زبانی قابل حصول و دریافت برای عناصر مختلفی که در درون و بیرون امپراتوری فاطمی می‌زیستند، بررسی می‌کند.

مؤلف این اثر، خانم همدانی، مدرک دکتری خود را در تاریخ اسلام از دانشگاه پرینستون با تخصص در تاریخ اسلام و دوره‌ی فاطمی سده‌های میانه دریافت کرد و اینک دانشیار گروه آموزش تاریخ و تاریخ هنر در دانشگاه جرج میسن در ایالت ویرجینیا در آمریکا است. این کتاب که به عنوان رساله‌ای به گروه آموزشی مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه پرینستون تقدیم شد؛ در پنج فصل و بخشی به عنوان پایان‌گفتار و پنج پیش‌گفتار مربوط به هر فصل تدوین شده است.

در فصل اول با عنوان «از انقلاب تا دولت»، نویسنده به بررسی رویدادها و وقایع تاریخی جنبش اسماعیلی و نتایج پیروزی انقلاب فاطمی در استقرار یک دولت در شمال آفریقا به عنوان پیش‌زمینه‌ی لازم برای فهم اوضاع و

نخستین سال‌های پس از استقرار دولت فاطمی، سال‌های
پرتلاطم و آشفته‌ای بود. ریشه‌ی این بحران در عدم تطبیق
و سازگاری ایدئولوژی دولت فاطمی با واقعیات قدرت
سیاسی بود

فرایند انقلاب

نام «بنده‌ی خدا و خلیفه‌ی او» برپا می‌دارند و حافظ اصلاح بندگان به
عنوان هادی، عبدالله ابومحمد، امام المهدی بالله، امیرالمؤمنین خوانده شد.
اذان یعنی دعوت به نماز، با افزودن عبارت خاص شیعی «حی علی الصلاه»
تغییر یافت؛ اعلام مهدی به عنوان حکمران یا خلیفه‌ی جدید و قبول او؛ و
پذیرفتن نمایندگان و هیأت‌ها و از این قبیل امور. کار دیگر، تأسیس سازمان
اداری جدید بود که این امر متضمن ترک اساسی بعضی از راهکارهای
حکومت گذشته (هر چند ضرورتاً حفظ و ادامه‌ی بعضی دیگر) بود. هفت
قبیله یا طایفه‌ی کتامة، که در نتیجه‌ی کوشش‌های آن‌ها فتح شمال آفریقا
میسر شده بود، با سپردن نظارت و حکومت بر ایالات آفریقه به آن‌ها،
پاداش یافتند و رؤسایشان برای حکومت بر آن‌ها به شیوه‌ی حکمرانی
سلطنتی گسیل شدند. (ص ۳۷)

البته باید توجه داشت که این دولت جدید در ابتدا فاقد روش و برنامه‌ای
منظم برای سامان دادن امور جامعه‌ی جدید بود، جامعه‌ای که در آن شیعیان
و سنیان نیز ساکن بودند. در نتیجه سال‌های اولیه‌ی دولت فاطمی، به
علت سیاست‌های دینی ناآگاهانه و نامنسجم و خشن و تحمیل تشیع
اسماعیلی بر جمعیت اهل سنی، سبب ایجاد دشمنی میان اهل سنت شد و
از سوی دیگر اقلیت حنفی حکومت اهل بیت و علمای مالکی نیز از دشمنان
سرسخت این دولت نوپا بودند. این احساسات ضدفاطمی به دلیل تغییر
و اصلاح شیوه‌های اداری مراسم عبادی شدت هرچه بیش‌تری یافت و
روابط میان علمای شیعی محلی و مالکی رو به وخامت گذاشت. از این رو
فاطمیان کوشیدند رهیافت جدیدی بر پایه‌ی یک خط مشی دینی پذیرا تر و
همه‌نگر تر و دارای ابعاد تسامح و تساهل‌گرا، در پیش گیرند. این سیاست به
ویژه در زمان امام و خلیفه‌ی فاطمی المنصور سیاست رسمی شد.

دولت فاطمی در پی آن بود که تعادلی میان تبلیغ و ترویج معتقدات شیعی
اسماعیلی به وجود آورد و از این‌که پذیرندگی را برای دولت فاطمی در
میان رعایای غیراسماعیلی آن بتوان تضمین کرد، اطمینان کسب کند.
این گرایش به یک سیاست آزادمنشانه و تسامح‌گرایانه درباره‌ی انتساب
قاضیان و اجازه دادن به اجرای مراسم و مناسک عبادی و فقه اهل سنت
و در نهایت به نهاده‌ی کردن اصل آزادی مذهبی منجر شد. در همان حال،
فاطمیان از نظر ایدئولوژیکی و مسلکی، موضعی استدلالی در پیش گرفتند
تا یک گفت‌وگو ظاهری و عمومی راه، که برای اکثریت سنی‌مذهب جامعه
پذیرفتنی باشد، پدید آورند که در عین حال در کنار یک گفت‌وگو و معارف
باطنی که ترویج آن در میان جامعه‌ی اسماعیلی ادامه داشت، کارکرد داشته
باشد. معمار این رهیافت دوجبه‌ی قاضی نعمان بود (صص ۴۳-۴۴) که در

یا «دعایه» توسط «داعیان» انجام می‌گرفت. «دعوت» بخش بسیار مهم
نظام فاطمی بود که نقش مؤثر و بسزایی در بسط ایدئولوژی اسماعیلی،
جذب نیرو و فعالیت‌های دولت و سامان‌دهی امور بر عهده داشت. امامان
فاطمی و نمایندگان خلیفه، مدیریت این سازمان را بر عهده داشتند و با
فرستادن داعیان به نقاط مختلف، چه در جغرافیای حکومتی و چه در خارج
از قلمرو خویش، به تعلیم و تبلیغ آرا و اندیشه‌های خود می‌پرداختند.
داعیان فاطمی به عنوان متکلمان و عالمان جامعه‌ی اسماعیلی با تبلیغ
و تعلیم عقاید اسماعیلی، از لحاظ اعتقادی و رفتاری، خود را به عنوان
الگویی برای معرفی جامعه معرفی می‌کردند و از این طریق به جذب نیرو
نیز می‌پرداختند. داعی احمد بن ابراهیم نیشابوری در الرسالة الموجهه
الکافیه فی آداب الدعاه و قاضی نعمان تمیمی در اللمه فی آداب اتباع الاثمه
دستورالعمل‌هایی را برای داعیان کیش اسماعیلی تدوین کرده‌اند.
کتاب دیگری که فرایند گروش به آیین اسماعیلی را گزارش کرده، رساله
العالم و الغلام منسوب به منصور الیمنی است که مؤلف اشارات کوچکی
بدان کرده است. از دیگر افراد، حمیدالدین کرمانی در مصر است که مأمور
بازسازی نظام دعوت بوده و با نوشتن رسالات و کتاب‌هایی درباره‌ی عقاید
اسماعیلیه، نیازهای اعضای سازمان دعوت را پاسخ گفته است. از کسان
دیگر، المودید فی الدین شیرازی است که از جانب المستنصر بالله به مقام
داعی‌الدعای انتصاب یافت و توانست شماری از جمله ناصر خسرو قبادیانی
را به آیین اسماعیلی درآورد. مجالس هشت‌صدگانه‌ی او که به دارالمجالس
المؤیدیه معروف است، از آثار مهم علمی و کلاسی اسماعیلیه محسوب
می‌شود.

اما شارح اصلی این جریان قاضی النعمان است. وی نخستین کسی است که
با تألیف کتاب تأویل دعائم الاسلام سازمان جذب نیرو را در قالب «مجالس
الحکمه» شکل داده است که در این فصل کتاب بدان اشاره می‌شود.
این مجالس از روش‌های بسیار مؤثر جذب و تعلیم نیرو و بسط تفکرات
اسماعیلی برخوردار بود که به طور مداوم برگزار می‌شد. در این مجالس که
حتی زنان نیز در آن اجازه‌ی حضور داشتند، طیف گسترده‌ای از دروس قرآن
و حدیث گرفته تا دیگر موضوعات دینی و ادبی با رویکردی تأویلی آموخته
می‌شد و خلفای فاطمی از طریق شناسایی افراد مستعد در فهم و یادگیری
این علوم، داعیان جدید را استنتاج می‌کردند. (ص ۲۱)

در ادامه، دولت فاطمی در جهت اشاعه‌ی ایدئولوژی و رهبری سیاسی و
دینی خود به تغییرات عینی در ساختار جامعه پرداخت. عاجل‌ترین تغییراتی
که انتظار می‌رفت انجام شود، آن بود که اولین خطبه‌ی نماز جمعه را به

فصول بعد به تفصیل در این باب بحث شده است.

در فصل «از ظاهر به باطن» چنین می‌خوانیم که نخستین سال‌های پس از استقرار دولت فاطمی، سال‌های پرتلاطم و آشفته‌ای بود. ریشه‌ی این بحران در عدم تطبیق و سازگاری ایدئولوژی دولت فاطمی با واقعیات قدرت سیاسی بود که به رشد امواجی از نارضایتی در میان پشتیبانان و خرده‌گیران حکومت منجر شده بود. نویسنده در ابتدای این فصل به مبانی انتظارات مسیحایی و منجی‌گرایانه‌ی اسماعیلیان می‌پردازد. علت بررسی این موضوع در این فصل به جایگاه اساسی و بنیادین این انتظارات در شکل‌گیری و هویت‌یابی این جنبش، و نیز نقش محوری آن در انشقاق میان اسماعیلیان است.

به نظر مؤلف یکی از علل اصلی پیدایش آیین اسماعیلی، سیاست‌زدگی گسترده‌ای بود که در نیمه‌ی قرن سوم قمری هم‌زمان با غیبت امام مهدی (عج) در تشیع امامی همه‌گیر شده بود. در حالی که دوازدهمین امام شیعیان امامی، چه برای معتقدان به او و چه برای دیگران، خارج از دسترس بود و تقریباً همان جایگاه و وضعیتی را داشت که مسیح پس از مصلوب شدن برای مسیحیان داشت؛ مهدی اسماعیلیان در دسترس بود و کسانی می‌توانستند از جانب او دست به عمل سیاسی زنند. این تبیین از موقعیت امام اسماعیلی به دلیل مبانی عقیدتی آنان موجب می‌شد چرا که تشیع اسماعیلی بر ضرورت هدایت معنوی و روحانی امام تأکید دارد و استدلال می‌کند معنای ظاهر کتاب مقدس، که با آمدن هر پیامبری تغییر می‌یافت، با معنای باطنی همراه بود که در حقایق ابدی کلام خدا نهفته بود. این حقایق را هر پیامبری به افراد منتخب معدودی از اوصیا (امامان) از طریق ساز و کار تأویل یا تفسیر تمثیلی منتقل می‌ساخت. در آن حال که هر دوری از دوره‌های متفاوت تاریخ بشر را پیامبری آغاز می‌کرد، هر یک از این دوره‌ها نیز رشته‌ی امامان خود را داشت، و بنا بر تفکر قدیم اسماعیلی، این عصرها شامل هفت دور می‌شد که در نهایت، با ظهور امام آن دوره به عنوان مهدی یا قائم به اوج خود می‌رسید و او دور یا عصر هفتم را، که واپسین دور بود، آغاز می‌نهاد، ولی شریعت جدید یا تنزیل جدیدی نمی‌آورد بلکه حقایق باطنی را که در عصر واپسین و عادلانه‌ی تاریخ بشر اشاعه می‌یافت بر مردم آشکار می‌ساخت. به این ترتیب، ظهور و تجلی امام، ضروری، گریزناپذیر و تا حدی قابل پیش‌بینی بود و به رستگاری و نجات بشر منتج می‌شد. (صص ۴۶-۴۷)

این انتظار و اعتقادات در زمان فاطمیان نیز وجود داشت و یکی از حادث‌ترین آنان در دوره‌ی نخستین خلیفه‌ی فاطمی، یعنی عبدالله المهدی ظهور

کرد. وی در برخورد با این مسأله سعی در به تعویق انداختن این انتظارات همانند مسیحیان اولیه داشت و به بدین روش خود را امام المهدی بالله در مقابل «المهدی» خواند، و از این طریق با تجدید نظر در آموزه‌ی اصلی اسماعیلیان، از یک سو از لحاظ ظاهری توفیق یافت که فاصله‌ی میان امام جعفر صادق (ع) و منجی را با امامانی که طول عمر عادی داشتند پر کند، و از سوی دیگر با برکشیدن رهبران اسماعیلی به حد امام، نظام و سنجیدگی و حالت پیشگویانه‌ی تقسیم‌بندی ادواری پیشین را از میان برد. با این تحول، تعداد امامان دور آخر از هفت تن فراتر رفت و با تغییر نام و نسل مهدی اساس آموزه‌های آیین اسماعیلی در هم ریخت. به نظر نویسنده احتمالاً او چنین می‌اندیشید که منجی در هر حال منجی است و نام دقیق و نسب او هر چه باشد، مهم نیست. آن چه مهم است، اقدام و عمل او در جهت خیر و صلاح امت است.

این اقدام تسلط عبیدالله را بر هوادارانش در داخل و خارج استحکام بخشید و از طرف دیگر سبب شکاف و دودستگی در میان اسماعیلیان شد. از آن پس دو نوع آیین اسماعیلی وجود داشت: روایت فاطمی که پیروان عبیدالله محسوب می‌شدند و به جانشینانش وفادار بودند و روایت ماقبل فاطمی که هواداران آن به آموزه‌های کهن اسماعیلی پایبند و در آثار متأخر «قرمطی» نامیده می‌شدند.

در ادامه نویسنده به کتاب المناظرات ابن الهیثم رجوع و مناظره میان علمای برجسته‌ی مالکی و اسماعیلی را بیان می‌کند. بررسی این کتاب توسط نویسنده در این فصل به خوبی فهمی جامع از عمل فاطمیان در مواجهه با مسلمانان غیراسماعیلی و نوع ادبیات مناظراتی آنان را ارائه می‌دهد.

اسماعیلیان سلسله مناظرات فراوانی با دیگر فرق اسلامی انجام می‌دادند و به طور مکرر به تأویل و گرایشات عقلانی در مناظرات خود متوسل می‌شدند. این مناظرات سبب مشروعیت بخشیدن به مرجعیت سیاسی دولت فاطمی در میان اهل سنت شد و از سوی دیگر منتج به توسل به گفتمان مشترکی شد که استدلال‌های کلامی و فقهی از خصوصیات آن بود.^۳

در انتهای فصل نویسنده شرح نسبتاً کاملی از زندگی قاضی نعمان ارائه می‌دهد و به بررسی آثار وی می‌پردازد و به ابهاماتی که در باب زندگی وی وجود دارد، پاسخ می‌دهد. وی معتقد است اندیشه‌های فقهی قاضی نعمان، طی خدمت طولانی او در دوران خلافت چهار تن از خلفای فاطمی، دوشادوش دولت فاطمی و سیاست دینی آن تحول و تکامل پذیرفته است. اوج این تحول در زمان المعز لدین الله و مهم‌ترین اثر او دعائم الاسلام است. گذشته از این، نقش هدایتگری امامان فاطمی در آثار او، میل و

اسماعیلیان سلسله مناظرات فراوانی با دیگر فرق اسلامی انجام می‌دادند و به طور مکرر به تأویل و گرایشات عقلانی در مناظرات خود متوسل می‌شدند. این مناظرات سبب مشروعیت بخشیدن به مرجعیت سیاسی دولت فاطمی در میان اهل سنت شد و از سوی دیگر منتج به توسل به گفتمان مشترکی شد که استدلال‌های کلامی و فقهی از خصوصیات آن بود

علاقه‌ی آنان را به یک گفتمان ظاهری که برای مخاطبان مختلف آن‌ها - اسماعیلی، شیعه‌ی دوازده‌امامی و اهل سنت - پذیرفتنی باشد، و نقش ممتاز و یگانه‌ی قاضی نعمان را که برای بیان و اظهار چنین گفتمانی صلاحیت داشته است، نشان می‌دهد زیرا خود او مظهر و تشخیص موفقیت شیعی اسماعیلی در یک محیط و بافت سنی بوده است. (ص ۶۳)

به نظر مؤلف، در مجموع آثار قاضی نعمان به ما شناختی می‌دهند که چگونه معتقدان شیعی اسماعیلی به صورت چارچوبی کارکردی در یک محیط سنی درآمدند، و چگونه مسائل و موضوع‌های «باطنی» پیشین در یک بافت «ظاهری» مطرح شدند.

فصل بعد «چارچوب نظری»، از لحاظ تعداد صفحات بیش‌ترین و از لحاظ محتوایی از مهم‌ترین فصول کتاب است و آرای فقهی درباره‌ی انتقال از یک انقلاب شیعی به یک دولت اسلامی را منعکس می‌سازد. محور اصلی گفتمان این فصل، شرح کتاب دعائم الاسلام است و اشاراتی نیز به کوشش‌های خلیفه المعز در تغییر سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی قبلی و ایجاد سیاست‌های تساهل‌گرایانه شده است.

دعائم الاسلام اساسی‌ترین تألیف قاضی نعمان است و به خوااهش معز (خلیفه‌ی چهارم فاطمی) که شخصا بر نوشتن آن نظارت دقیق داشت، نوشته شده است. قاضی نعمان، فقه اسماعیلی را با گردآوری منظم و منضبط احادیث موثق که از اهل بیت روایت شده بود، بر مبنای آثار کلینی و دیگر مؤلفان قدیم شیعی و نیز سنی، تدوین کرد. دعائم منبع اصلی مطالعه‌ی فقه اسماعیلی فاطمی است، و از زمان معز به بعد به عنوان سند و قانون‌نامه‌ی رسمی فقهی اسماعیلیان فاطمی شد و دستور داده شد که بر اساس آن، پایه‌های اعتقادی و مراسم دینی این طریقت را استوار سازند. دعائم از دو مجلد تشکیل شده است: جلد اول، از هفت ستون دین اسلام (بنا بر مذهب اسماعیلیه) یعنی ولایت، طهارت، صلاحت، زکات، صوم، حج و جهاد بحث می‌کند. بدین ترتیب اسماعیلیان فاطمی به عنوان اهل تشیع، ولایت و طهارت را به ارکانی که مورد شناخت اهل تسنن قرار گرفته بود، اضافه کردند. جلد دوم دعائم درباره‌ی معاملات، یعنی امور دنیوی است، مانند: خوراک، لباس، وصایا، ارث، نکاح و طلاق است و شامل ۲۶ جزء.

مؤلف در این بخش ابتدا به نکته‌ی بسیار مهمی در باب تفاوت تحول فقه در میان شیعیان، اهل سنت و اسماعیلیان اشاره می‌کند و معتقد است: تشیع اسماعیلی به علت بسط و تفصیل نظام‌مند اصول عقاید آن، در نتیجه‌ی ظهور یک امام و پدید آمدن یک فقه و مذهب اسماعیلی بر اثر استقرار حکومت امام در قالب خلافت فاطمی، مسیر متمایزی در مقابل شیعه‌ی دوازده‌امامی و اسلام اهل سنت در پیش گرفت. برخلاف تشیع دوازده‌امامی

که فقه آن در نبودن قدرت تحول یافت و برخلاف اسلام اهل سنت که فقه در کنار قدرت تحول پیدا کرد، فقه اسماعیلی در پاسخ به کسب قدرت^۴ وضعیتی از امور که عقاید متعارف را درباره‌ی تحول منحصر خودمختارانه‌ی یک سنت فقهی اسلامی به چالش می‌خواند، پدید آمد. (ص ۶۸)

در این مسیر، انتقال از انقلاب به دولت، تغییرات ضروری اجتناب‌ناپذیر مهمی در سیاست‌ها و خط مشی دولت فاطمی پیش آورد. سیاست عدم تساهل‌گرایانه نسبت به اهل سنت به سیاست آشتی‌جویانه و فراگیر دینی در اداره‌ی امور و فعالانه شرکت دادن عامه، چه سنی و چه شیعی، در ساختار حکومت تبدیل گشت. این آزاداندیشی و بینش تسامح‌گرایانه، باعث تحکیم مواضع قدرت دولت فاطمی و بسط و گسترش آن تا مصر بود. فتح مصر در سال ۹۶۹/۳۵۸ فصل دیگری در تاریخ فاطمیان باز کرد؛ فصلی متضمن تحقق یک امپراتوری بسیار وسیع که به آن دولت اسلامی که فاطمیان آرزوی حکومتش را داشتند، نزدیک بود.

در این روند، تلاش‌های آشتی‌جویانه‌ی معز در جامعه‌ی اسماعیلی نقش بسزایی در تحکیم قدرت دولت فاطمی داشته است. خلیفه‌ی چهارم فاطمی، در راستای تلاش‌ها و کوشش‌های آشتی‌جویانه از لحاظ ذهنی و نگرشی توجه دقیقی به آثار عقیدتی و فقهی قاضی نعمان می‌کرد؛ زیرا گفت‌وگوی دوجانبه هم با اسلام اهل سنت هم با گرایش‌های رقیب و مخالف در داخل تشیع اسماعیلی، در بیش‌تر آثار قاضی نعمان، خواه آثار «باطنی» و خواه آثار «ظاهری» او منعکس شده است. این مسأله در کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان به خوبی نمایان شده است که نشان‌دهنده‌ی اوج تکامل اندیشه‌ی فقهی قاضی نعمان است و آرا او را درباره‌ی انتقال از یک انقلاب شیعی به یک دولت اسلامی منعکس می‌سازد.

مؤلف در این بخش مباحث ایمان، امامت، و مفاهیم غلو، تقیه و مودت در چارچوب رابطه‌ی پیروان با امامان، و در نهایت مبحث ولایت را به طور مختصر شرح می‌دهد و در نهایت به نتایجی منتج می‌شود که اصول اسماعیلیان بر آن قرار دارد. اصول اسماعیلی، در نهایت بر پایه‌ی اصول و مقدمات مختلفی به دست آمده بود. برخلاف مکتب‌های فقهی اهل سنت که به طور افزاینده به احادیث نبوی مرتبه بالاتر و مرجعی دادند، اصول فقه اسماعیلی بر آن است که اولویت‌های قرآن را به عنوان منبع و سرچشمه‌ی هدایت بازگرداند اما از منظر اعتقادات اسماعیلی، قرائت لفظی آن، عمدتاً بر پایه‌ی خواندن لغوی و تاریخی آن از طریق تفسیر اغلب پیروان را به همه چیزها به طور کافی هدایت نمی‌کند. به این دلیل، نیاز به «تأویل» وجود دارد که اگر به درستی و اجازه‌ی امام به کار بسته شود، وسیله‌ای برای بیرون کشیدن همه‌ی معانی و متفرعات ممکن از آن می‌شود. (ص ۹۴)

به نظر مؤلف، در مجموع آثار قاضی نعمان به ما شناختی می‌دهند که چگونه معتقدان شیعی اسماعیلی به صورت چارچوبی کارکردی در یک محیط سنی درآمدند، و چگونه مسائل و موضوع‌های «باطنی» پیشین در یک بافت «ظاهری» مطرح شدند

قاضی اشاره کرده و بیان می‌دارد که اخبار و گزارش‌های مندرج در مجالس بر پایه‌ی تجارب و کنش و واکنش‌های شخصی قاضی نعمان نهاده شده است. قاضی نعمان چنان که خود در مقدمه‌ی مجالس و المسایرات به آن اشاره می‌کند که هدف از تألیف این کتاب، نشان دادن پاره‌ای از دانش و حکمت امامان، چنان که خود به تجربه دریافته است و آن چه را شنیده و دیده است، برای نسل‌های آینده بازگو می‌کند. (ص ۱۰۵)

بررسی این دو کتاب در این فصل، نشان از گستردگی نگاه و رویکرد نویسنده به دوران گذار انقلابی به دولت فاطمی و تثبیت آن است که علاوه بر بررسی فقهی و کلامی به لحاظ ذهنی، به مسایل عینی و تاریخ‌نگاری آن توجه کافی داشته است. این فصل، شناختی نسبی از زندگی و افکار نخستین خلفای فاطمی، بالاخص المعز به ما ارائه می‌دهد و جایگاه قاضی نعمان را نیز در دستگاه فاطمی نمایان می‌سازد.

در فصل «نظم اجتماعی» می‌خوانیم که هر حکومتی علاوه بر ایدئولوژی درونی، به یک سامان اداری و اجتماعی و نظمی دوسویه در روابط درونی دولت و رابطه‌ی جامعه با قدرت سیاسی نیاز دارد. این نظم خود برخاسته از ایدئولوژی نظام سیاسی و واقعیت‌های اجتماعی است.

این فصل در مورد چگونگی نظم ظاهری و روابط حاکم و رعایا، ویژگی و نوع استقرار نظم اجتماعی در جامعه‌ی اسماعیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و این که قاضی نعمان از چه مفاهیمی چنین نظمی را بازتولید و با چه مبانی آن را مشروعیت می‌دهد، در این راستا مؤلف به بررسی نظریه‌ای در باب نظم اجتماعی در کتاب الهمه فی آداب الاتباع الاثمه، و نیز رساله‌ای درباره‌ی حکومت در کتاب الجهاد دعائم الاسلام می‌پردازد. قاضی نعمان با ایجاد مفاهیم اخلاقی به عنوان قید و بندهای اجباری برای مردم، نظمی سیاسی- اجتماعی به وجود آورد که حاکمان فاطمی به خوبی از آن استفاده کردند و آن را به الگوی رفتار دوسویه‌ی حاکم و مردم تبدیل ساختند. این نوع نظم اجتماعی در کتاب الهمه فی آداب الاتباع الاثمه و نیز رساله‌ای درباره‌ی حکومت در کتاب الجهاد دعائم الاسلام آمده است که مؤلف بدان‌ها اشاره کرده است.

در اندیشه‌ی نویسنده، کتاب الهمه قاضی نعمان چیزی شبیه یک طرح برای شالوده‌ی ایدئولوژیکی‌ای که روابط میان امام/ خلیفه‌ی فاطمی و رعایای او را تعیین می‌کند، به دست می‌دهد. قاضی نعمان در این کتاب اطاعت از امام را در یک چارچوب دینی- سیاسی و نظم ساختاری قرار می‌دهد. این کتاب برای نخستین بار چشم‌انداز شیعی و اسماعیلی متمایزی را از شهروندان اهل المدینه به اجمال ارائه می‌کند. (ص ۱۲۱)

به نظر نویسنده، قاضی نعمان اطاعت از امام را همانند اطاعت از پیامبر (ص)

در چند صفحه‌ی آخر این فصل در مورد «امامت» از مقدمه‌ی کافی کلینی بحث شده است و به تفاوت بین این کتاب و دعائم به طور اختصار اشاراتی شده است.

به نظر مؤلف در فصل «الگوهای ظاهری»، قاضی نعمان در دو وجه، در تاریخ اسماعیلیان تأثیر بسزایی داشت: اول در به وجود آوردن یک نظام و دستگاه فقهی؛ و دوم در ایجاد تاریخ‌نگاری اسماعیلی. ادبیات تاریخ‌نگاری قاضی نعمان به صورت ترکیبی از سنت‌های ادبی شیعه و سنی بود. افتتاح الدعوه و ابتداءالدوله و مجالس و المسایرات دو نمونه از آثار قاضی در تاریخ‌نگاری اسلامی است. اولین کتاب، مشابه کتب فتوح در اهل سنت، و دومین کتاب صورتی است از کتاب در اخبار یا سنت سیره‌نویسی و تذکره‌ولایه‌نگاری. بررسی این دو کتاب و اشاره‌ی کوتاه به سنت تاریخ‌نگاری اهل سنت و شیعه، محور اصلی نگارش این فصل است. افتتاح الدعوه از مصادر مهم تاریخ فاطمیان و از قدیمی‌ترین منابع آنان است. این کتاب نص اصلی روایت تاریخ مربوط به پیدایش دعوت فاطمیان و اوضاع و احوالی را که زمینه‌ساز استقرار دولت فاطمی بوده است، در بر دارد.

افتتاح الدعوه قاضی نعمان یادبودنامه‌ی پیروزی‌های امام اسماعیلی و اولیای او در روزگار خود اوست. این کتاب گسترش «دعوت» فاطمی و فتوحات ابوعبدالله شیعی در شمال آفریقا تا تأسیس دولت فاطمی را در بر دارد و کارهای پهلوانانه‌ی ابوعبدالله، خط مشی و راهبردهای او در اداره‌ی سرزمین‌های فتح شده و هم‌چنین، خطاهایی را که به قتل وی انجامید، عرضه می‌دارد.

خانم همدانی در مورد سبک نگارش کتاب الفتاح الدعوه معتقد است قاضی نعمان روایت افتتاح را از قید و بند خسته‌کننده‌ی لوازم تواریخ مبتنی بر حدیث مانند فهرست کردن اسناد یا زنجیره‌ی روایانی که همراه هر خبر می‌آمد، و در کنار هم نهادن خبرهای مختلف یک حادثه رها ساخته است. (ص ۱۰۳) در ادامه نویسنده شرحی نسبتاً کامل از کتاب المجالس و المسایرات را ارائه می‌دهد که در آن قاضی نعمان به ارائه‌ی تصویری تاریخی از امامان می‌پردازد. این کتاب مانند دعائم و افتتاح الدعوه در زمان معز تألیف شده است و بیش‌تر این کتاب در باب زندگی این امام و خلیفه‌ی فاطمی است. برخی از مفاهیم عقیدتی مانند امامت و مسایل ظاهر و باطن و مشکلاتی که فاطمیان در راه گسترش دعوت خود با آن مواجه بودند و میزان دانش و معلومات خلفای نخستین و سیاست‌های داخلی و خارجی آنان، از نکات دیگری است که با بیان ادبی، سیاسی، تاریخی، و مذهبی در این کتاب مطرح شده است.

نویسنده به نکته‌ی مهمی در باب نگارش این کتاب و تفاوت آن با دیگر آثار

قاضی نعمان با ایجاد مفاهیم اخلاقی به عنوان قید و بندهای اجباری برای مردم، نظمی سیاسی- اجتماعی به وجود آورد که حاکمان فاطمی به خوبی از آن استفاده کردند

می‌داند و قرار دادن حکومت امام در درون «سنت» پیامبر (ص) اقدامی است که نه تنها حکومت امامان را از اقتدار محض دنیوی شاهان و سلاطین متمایز می‌کند، بلکه از اطاعت نیز تعریف مجددی عرضه می‌دارد و آن را از موضوع یک اجبار به یک وظیفه‌ی دینی تغییر می‌دهد. این نظم اجتماعی فاطمیان بر اساس مفاهیم دینی و در چارچوب مفاهیم اخلاقی قابل تفسیر بود و اطاعت، میثاق، شکیبایی، سپاس‌گذاری، فروتنی، یگانگی و هم‌بستگی از مفاهیم اخلاقی نظم اجتماعی است که بر ماهیت الزام‌آور بودن آن بر جامعه‌ی اسماعیلی با توجه به آیات قرآن تأکید می‌شده است. حرکت در جهت استحکام قدرت و اقتدار فاطمیان، یگانگی و وحدت منافع دولت را با جوامع غیراسماعیلی و هم‌چنین هواخواهان خود ضروری می‌ساخت؛ از همین روی است که نصایحی به پیروان امام می‌شود درباره‌ی انتظاراتشان از رفتار مرجع، امتیاز و سود، و دستور به اطاعت از حکم مراجع دولتی، حتی هنگامی که به نظر می‌آید به سود گروه‌های دیگر در قبال اسماعیلیان است.

بسیاری از وجوه مراسم تشریفات در کتاب الهمه، مانند زیباشنختی و نمادگرایی سجده کردن، چشم به پایین دوختن، سکوت احترام‌آمیز، ایستادن در مقابل نشستن، عقب کشیدن و مانند این‌ها در واقع از خصوصیات آیین‌های شاهانه جزو زندگی درباری در دربارهای اسلامی سده‌ی میانه و جاهای دیگر است؛ ولی نویسنده بیان می‌دارد که دورنمای دولتی که کتاب الهمه ترسیم می‌کند، امامتی است که دست کم از جنبه‌ی نظری به حکومت تنوکراتیک پیامبر (ص) نزدیک می‌شود و به این ترتیب، از پادشاهی صرف یا ملک متفاوت است. (ص ۱۲۹)

البته باید توجه داشت این گونه نصایح و تعالیم در کتاب الهمه، خود شاهد دیگری است بر یک وضعیت انتقالی؛ نظم دولت جدید ضرورتاً یک سلسله مراتب سیاسی را اعمال می‌کرد که مرکب بود از یک امام شیعی اسماعیلی و کارمندان او در بالاها و گروه‌های عمومی و شغلی دیگر در پایین؛ و نمادگرایی در مراسم و آیین‌های تشریفات مطرح شده در این کتاب، نشان از فرایند استحاله و تغییر از انقلاب به دولت را منعکس می‌کند.

در ادامه‌ی فصل نویسنده به بررسی رساله‌ی عهد درباره‌ی حکومت در کتاب الجهاد، جلد اول دعائم الاسلام قاضی نعمان پرداخته و تأکید دارد که این رهنمودهای استفاده شده در الهمه، به نوعی در این رساله نیز بیان شده است و می‌نویسد: «عهد مخاطب خود، شاه/ فرمانده را تشویق می‌کند که خط مشی یک حکومت اخلاقی را با توجه به حال رعایا، در پیش می‌گیرد و عاقلانه، با ترجم و عادلانه فرمان براند. در این رساله قاضی نعمان به این تأکید دارد که حاکم به پشتیبانی مردم اتکا ورزد و با آن‌ها با خویشنداری و فروتنی رفتار کند و رضایت آن‌ها را بالاتر از رضایت خدمت‌گزاران خود بجوید. (ص ۱۳۳)

زبان و اصطلاحات دنیوی در عهد، لحن سخن ابهام‌انگیز آن، جامعه‌ی پیچیده‌ای که توصیف می‌کند و نیز دستورهای پیچیده‌ی آن برای حکومت عادلانه، یقیناً منعکس‌کننده‌ی واقعیت حکومت فاطمی در زمان المعزالدین الله است و گذشته از این، دلالت بر آن دارد که چگونه پیروزی قدرت فاطمی نیاز به یک دست‌نامه‌ی سیاسی و نیز کتابی در آداب و مراسم تشریفات چون کتاب الهمه را به وجود آورده است.

در پایان فصل توضیحاتی در باب تفاوت عهد و کتاب الهمه ارائه شده، و این‌که: کتاب الهمه از نظم اجتماعی بر تمرکز نهایی مرجعیت و قدرت در دست امام تأکید می‌گذارد، عهد، راهنما و نقشه‌ی راهبردی برای حکومت عادلانه حکام و فرمانروایان او در دولتی ارائه می‌دهد که در آن این

شایستگی، تقوا، اخلاق و قضاوت درست آن‌هاست که رونق و بهبودی دولت و همه‌ی رعایای آن را پیش می‌برد، نه سازگاری و موافقت آنان با عقیده‌ای خاص یا ساختاری ایدئولوژیکی برای حکمرایان. (ص ۱۳۵)

در انتهای کتاب در بخشی به عنوان پایان گفتار، خانم همدانی به نتیجه‌گیری خود از کتاب و آثار قاضی نعمان می‌پردازد و معتقد است: فرایند دگرگونی از دعوت به دولت، مستلزم آن بود که فاطمیان یک گفتار «ظاهری» از معتقدات خود پدید آورند. قاضی نعمان در کتاب دعائم توجه خود را معطوف به حکومت امام فاطمی به عنوان حافظ و ضامن قانون و یک جامعه‌ی عادل در این جهان کرده است. در کتاب الهمه نقش امام گسترانیده شد تا «دارالاسلام» یعنی همه‌ی «امت» مسلمانان را در بر گیرد نه فقط جامعه‌ی منتخبی از مؤمنان، و در کتاب المجالس و المساربات، قاضی نعمان به اصلاح تصویری از یک حکومت اسلامی کمال مطلوب از طریق ارائه‌ی «خبر» درباره‌ی امامان فاطمی پرداخت. (ص ۱۳۸)

مؤلف در نهایت به تأثیر قاضی نعمان در فقه اسماعیلی می‌پردازد و ابراز می‌دارد: به طور خلاصه کمک نخستین قاضی نعمان، پیدا کردن راهی میان نیازها و سنت‌های مشروع تشیع اسماعیلی با جوامع اهل سنت بود. یک ترتیب سیاسی که به فاطمیان امکان داد که از یک دوره‌ی نسبتاً پرآرامش پررونق تا روزگار مستعصر بهره‌مند شوند. سهم قاضی نعمان در این‌باره نه فقط از رواج آثار او در برنامه‌های نهادهای دعوت و دربارهای فاطمی، بلکه از مقامات برجسته‌ای که وی در دستگاه‌های قضایی و دینی دولت فاطمیان نزدیک به پنجاه سال احراز کرده بود و هم‌چنین در اهمیت مستمر اعقاب او در دستگاه قضایی برای چندین نسل هویداست.

در این کتاب مؤلف با بررسی منابع اصلی، اثری دانشگاهی و روشمند با نگاهی تحلیلی پدید آورد و مفاهیم و عقاید انتزاعی و ذهنی را در بافت و موقعیت تاریخی‌شان قرار داده و حتی‌الامکان به آن‌ها کیفیتی انضمامی و عینی بخشیده است؛ به گونه‌ای که به هنگام مطالعه‌ی کتاب با مجموعه‌ای از عقاید در یک بافت تاریخی و به صورت زنجیره‌ای روبه‌رو هستیم. خانم همدانی با کنکاش در ژانرها و نوع ادبی آثار شارح اصلی ایدئولوژی خلافت فاطمیان یعنی قاضی نعمان به تحولات فقهی، تاریخی، اداری و در نتیجه سیاسی اسماعیلیان در میراث مکتوب وی پرداخت و شناخت و فهمی عمیق از تحول ادبیات آنان در گذار از یک جنبش انقلابی به یک دولت بدیل شیعی در برابر خلافت عباسیان ارائه کرده است.

پی‌نوشت

۱- جوان آراسته، امیر (۱۳۸۱). قاضی نعمان و مذهب او، مجموعه مقالات اسماعیلیه. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۲- منظور از ادبیات ظاهری در فرهنگ دینی اسماعیلیه، متونی است که معطوف به توضیح مبانی فقهی و شریعت است که در ادبیات اسماعیلیه به عنوان ظاهر دین شناخته و معرفی می‌شود.

۳- کرون، پاتریشیا (۱۳۸۹). تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام. ترجمه‌ی مسعود جعفری. تهران: سخن.

۴- دفتر، فرهاد (۱۳۷۸). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فروزان روز. و نیز: دفتر، فرهاد (۱۳۷۶). سنت‌های عقلی در اسلام. تهران: فرزانه.